



مبانی هم‌زیستی و تعامل اسلام با اهل کتاب در پرتو قرآن کریم

نامزدپوهنځیار نورالحق حقاني

دپارتمنت تعلیمات اسلامي، پوهنځي شرعيات، پوهنتون غور

Nhaqyar121@gmail.com

<https://orcid.org/my-orcid?orcid=0009-0007-9172-2082>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهاند دکتور محمد عثمان روحاني

دپارتمنت تفسیر و حدیث پوهنځي علوم اسلامي، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل.

m.osman.rohany@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0002-0536-5274>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

اسلام از آغاز در جامعه‌ی مدینه با یهود و نصاری رو به رو شد و قرآن کریم اصولی روشن را برای هم‌زیستی و تعامل با آنان بیان کرد. این اصول شامل عدالت، گفتگو و وفای به عهد است. هدف این تحقیق، بررسی چارچوب قرآنی تعامل و هم‌زیستی با اهل کتاب و نقش آن در جامعه‌ی امروز افغانستان است. روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای و مبتنی بر شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی بوده که براساس مطالعه‌ی آیات قرآن و تفاسیر معتبر قدیمی؛ مانند طبری، ابن کثیر و فخر رازی تهیه گردیده است. هم‌چنین از منابع معاصر برای پیوند دادن یافته‌ها بانیازهای جامعه‌ی افغانستان استفاده شده است. تحقیق شامل آیات مرتبط با اهل کتاب در قرآن کریم است و نمونه‌گیری هدف‌مند از سوره‌های آل عمران، ممتحنه، توبه و مائده صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم اهل کتاب را به کلمه‌ی مشترک و توحید دعوت نموده و مسلمانان را به تعامل اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ایشان ترغیب کرده است. در نتیجه، هم‌زیستی و تعامل اسلام با اهل کتاب بر سه اصل بنیادین استوار است: گفتگو، عدالت و وفای به عهد. اجرای این اصول در افغانستان امروز می‌تواند زمینه‌ی هم‌زیستی فرهنگی، صلح پایدار و جلوگیری از افراط‌گرایی را فراهم سازد.

کلید واژه‌ها: اهل کتاب، اسلام، تعامل، قرآن، گفتگو، هم‌زیستی.

The Foundations of Coexistence and Interaction between Islam and the People of the Book in the Light of the Holy Qur'an

Author * **Noor-ul-Haq Haqyar**
 Email Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Ghor University
 Nhaqyar121@gmail.com
 Orcid <https://orcid.org/my-orcid?orcid=0009-0007-9172-2082>

Author **Mohammad Osman Rohani**
 Email Department of Tafsir and Hadith, Faculty of Islamic Sciences, Kabul Education
 University
 Orcid m.osman.rohany@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-0536-5274>

Abstract

From its inception, Islam encountered Jewish and Christian communities in Medina, and the Qur'an articulated clear principles for coexistence and interaction with them. These principles include justice, dialogue, and adherence to covenants. The aim of this study is to examine the Qur'anic framework for engagement and coexistence with the People of the Book and its relevance to contemporary Afghan society. The research employs a library-based, descriptive-analytical method, drawing upon Qur'anic verses and classical exegeses such as those of al-Tabari, Ibn Kathir, and Fakhr al-Razi. In addition, modern sources are consulted to connect the findings with the current needs of Afghanistan. The study focuses on verses related to the People of the Book, with purposive sampling from the chapters of Āl 'Imrān, al-Mumtahina, al-Tawba, and al-Mā'idā. The findings indicate that the Qur'an invites the People of the Book to a shared word of monotheism and encourages Muslims to engage with them at doctrinal, economic, social, and political levels. Consequently, Islamic coexistence and interaction with the People of the Book rest upon three fundamental principles: dialogue, justice, and covenant fidelity. Implementing these principles in present-day Afghanistan can foster cultural coexistence, sustainable peace, and the prevention of extremism.

Keywords: People of the Book, Islam, interaction, dialogue, Qur'an, coexistence

* Nhaqyar121@gmail.com

مقدمه

الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونؤمن به وتتوكل عليه، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأنَّ محمدًا عبده ورسوله.

اسلام به عنوان یک دین جهانی، از آغاز با جوامع مختلف دینی و فرهنگی روبه رو شد. درمذنبه، حضور یهود و نصاری زمینه‌ی شکل‌گیری روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان مسلمانان و اهل کتاب را فراهم کرد. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی شریعت، اصولی روشن برای این هم‌زیستی و تعامل را بیان کرده است. به صورت عام، عرصه‌ی تحقیق شامل مطالعه‌ی روابط اسلام با اهل کتاب در سطح اعتقادی، اجتماعی و سیاسی است. این روابط در قرآن با تأکید بر عدالت، گفتگو، وفای به عهد و برخورد با خیانت تبیین شده است. به صورت اختصاصی، این مطالعه برجسته‌ی تعامل اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد؛ یعنی بررسی آیات قرآنی که به هم‌زیستی، پیمان‌ها، صلح و جلوگیری از افراط‌گرایی اشاره دارند. این تحقیق همه جانبه و دقیق، با استفاده از آیات قرآن، تفاسیر معتبر چون (طبری، ابن کثیر، فخر رازی و...) و تحلیل‌های معاصر، تلاش می‌کند نشان دهد که تعامل اسلام با اهل کتاب نه تنها یک موضوع تاریخی، بل که یک راه کار عملی برای تقویت هم‌زیستی فرهنگی، ایجاد فضای صلح و جلوگیری از افراط‌گرایی در افغانستان امروز است.

اهمیت تحقیق

این تحقیق از چند جهت دارای اهمیت ویژه است؛ روشن‌سازی مبانی اعتقادی و اخلاقی اسلام در تعامل با اهل کتاب و تأکید قرآن بر عدالت، گفتگو و وفای به عهد. ارائه الگویی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌ها در جامعه‌ی چند قومی و چند مذهبی افغانستان. نشان دادن ظرفیت آموزه‌های قرآنی برای مقابله با افراط‌گرایی و ایجاد صلح پایدار. بهره‌گیری از منابع قدیمی و دیدگاه‌های معاصر برای توسعه‌ی تحقیقات در حوزه‌ی علوم اسلامی و مطالعات اجتماعی. در مجموع، اهمیت این تحقیق در آن است که نه تنها یک موضوع نظری و تاریخی را بررسی می‌کند، بل که راه کارهای عملی برای تقویت وحدت عمومی، هم‌زیستی فرهنگی و کاهش افراط‌گرایی در افغانستان امروز ارائه می‌دهد.

تبیین مسأله

هم‌زیستی و تعامل اسلام با اهل کتاب در پرتو قرآن یکی از موضوعات بنیادی در مطالعات دینی و اجتماعی است. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی شریعت، اصولی روشن برای روابط مسلمانان با یهود و نصاری بیان کرده است. این اصول شامل عدالت، وفای به عهد، گفتگو و برخورد با خیانت می‌باشد. مسأله‌ی اصلی این تحقیق آن است که چگونه این آموزه‌های قرآنی می‌توانند به عنوان

چارچوبی عملی برای مدیریت روابط میان مسلمانان و اهل کتاب در جوامع معاصر، به ویژه افغانستان، مورد استفاده قرار گیرند. افغانستان جامعه‌ی چند قومی و متنوع است که نیازمند الگویی قرآنی برای هم‌زیستی فرهنگی، ایجاد فضای صلح و جلوگیری از افراط‌گرایی می‌باشد. بنابراین، این تحقیق برآن است تا با تعریف دقیق حدود و مرزهای هم‌زیستی و تعامل اسلامی با اهل کتاب، حقیقتی را آشکار سازد. اسلام نه تنها در گذشته، بل که امروز نیز راه کارهای عملی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و ثبات اجتماعی ارائه می‌دهد. بیان این مسأله، موضوع کلی تحقیق را مشخص کرده و زمینه‌ی بررسی علمی و کاربردی آن را در چارچوب نیازهای بشری جامعه‌ی افغانستان را فراهم می‌سازد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: هم‌زیستی و تعامل اسلام با اهل کتاب در پرتو قرآن کریم چگونه تبیین شده است و چه کاربردی برای جامعه‌ی امروز افغانستان دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱. قرآن کریم چه اصول و چارچوب‌هایی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب بیان کرده است؟

۲. چه نمونه‌های تاریخی از تعامل پیامبر اسلام با اهل کتاب وجود دارد و چگونه می‌توان آن‌ها را در شرایط کنونی افغانستان به کار گرفت؟

۳. چه تفاوتی میان نگاه تفاسیر قدیمی (مانند طبری، رازی، ابن کثیر) و دیدگاه‌های معاصر در مورد تعامل با اهل کتاب وجود دارد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تبیین آموزه‌های قرآن کریم که مبنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تعامل عادلانه در جامعه‌ی امروزی.

اهداف فرعی

۱. روشن ساختن آموزه‌های قرآن کریم در زمینه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب؛

۲. بررسی تعامل پیامبر اسلام با اهل کتاب و استخراج راه کارهای عملی برای جامعه؛

۳. بررسی تفاوت دیدگاه‌های تفاسیر قدیم و معاصر درباره‌ی تعامل با اهل کتاب؛

پیشینه‌ی تحقیق

موضوع هم‌زیستی و تعامل اسلام با اهل کتاب در پرتو قرآن از دیرباز مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی بوده است. در تفاسیر قدیمی مانند: طبری، محمدبن جریر، جامع‌البیان، ۱۴۲۰: ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، محل مجمع ملک فهد سعودی و رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰هـ،

مفاتیح الغیب، الناشر: دار إحياء التراث العربي بیروت، چاپ: الثالثة، وابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، تفسير القرآن العظيم، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، طبعه: الثانية آيات مربوط به اهل کتاب با دقت بررسی شده و بر اصولی چون دعوت به توحید، وفای به عهد و عدالت تأکید گردیده است. هم‌چنین در آثار متأخرین مانند: سید قطب، (۱۴۱۲هـ) فی ضلال القرآن، چاپ ۱۷، ناشر: دار الشروق - بیروت - القاهرة، نگاه اجتماعی و تمدنی به این موضوع برجسته شده است. در حوزه‌ی تحقیقات معاصر، رساله‌ها و مقالاتی نمونه‌تاً چون: جبّار، مطری حسن. (ژانویه ۲۰۲۵). مفهوم اهل کتاب در قرآن کریم. مجله پوهنتون عراقی، ۷۳. (۳). وب سایت <https://www.mabdaa.edu.iq>. والصمدانی، الشریف محمد بن حسین. (ب ت). رؤية شرعية في الجدل والحوار مع أهل الكتاب. ناشر: وزارة الأوقاف السعودية. به شیوه‌های گفتگو و مباحثه با اهل کتاب پرداخته‌اند. محققان جدید نیز تلاش کرده‌اند تا آموزه‌های قرآنی را با نیازهای جوامع چندفرهنگی امروز پیوند دهند. با وجود این پیشینه‌ی غنی، بیشتر تحقیقات یا بر جنبه‌ی تفسیری و تاریخی تمرکز داشته‌اند یا به صورت نظری به گفتگو پرداخته‌اند. آن‌چه کمتر مورد توجه قرار گرفته، کاربرد عملی این آموزه‌ها در جوامع معاصر، به ویژه افغانستان است؛ جامعه‌ای که تنوع قومی و مذهبی آن نیازمند الگوی قرآنی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و جلوگیری از تندروی می‌باشد. بنابراین، این تحقیق در امتداد مطالعات پیشین، اما با تمرکز بر کاربرد اجتماعی و سیاسی آموزه‌های قرآنی در افغانستان امروز، جایگاه تازه‌ای در ادبیات علمی پیدا می‌کند.

روش تحقیق

این تحقیق به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌های گردآوری گردید؛ شامل آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر مانند طبری، ابن کثیر و فخر رازی، همراه با منابع معاصر برای پیوند دادن یافته‌ها با نیازهای امروز افغانستان است. آیات مرتبط با اهل کتاب در قرآن است و نمونه‌گیری به صورت هدفمند از سوره‌های آل عمران، ممتحنه، توبه، مائده و... صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و محتوایی انجام شده تا اصول قرآنی تعامل با اهل کتاب استخراج شود. در مجموع، روش تحقیق بر پایه‌ی مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، تحلیل محتوای آیات است تا بتواند چارچوبی روشن و کاربردی برای تعامل اسلام با اهل کتاب در جامعه‌ی افغانستان ارائه دهد.

نتایج و یافته‌ها

معنی لغوی تعامل: "التَّعَامُلُ: التَّفَاعُلُ مِنَ الْعَمَلِ، يُقَالُ: تَعَامَلَ الْقَوْمُ إِذَا بَدَّلَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَمَلًا أَوْ صُنْعًا" (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ: ۴۳۰/۱۱). ترجمه: تعامل به معنای همکاری و داد و ستد در عمل است؛ وقتی گفته شود «تَعَامَلَ الْقَوْمُ»، یعنی مردم با یکدیگر کار یا خدمت مبادله کردند. در معجم الوسیط چنین تعریف شده است: "التعامل: هو التبادل فی المنافع والمعاملات، ویدخل فیہ البیع والشراء و سائر العلاقات" (معجم الوسیط، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵۱۲). ترجمه: تعامل به معنای تبادل در منافع و معاملات است و شامل خرید و فروش و دیگر روابط می‌شود.

معنی اصطلاحی تعامل: جمشیدی می‌گوید: «تعامل در اصطلاح دینی به معنای کیفیت ارتباط مسلمانان با غیرمسلمانان در حوزه‌ی عقیده و معامله است؛ یعنی چگونگی رفتار، گفتگو و همکاری در چارچوب عدالت، وفای به عهد و رعایت اصول شرعی» (جمشیدی، ۱۳۹۸: ۶۷). این تعریف‌ها نشان می‌دهد که تعامل در قرآن و سنت، نه تنها به معنای روابط اقتصادی و اجتماعی است، بل که در سطح اعتقادی و اخلاقی نیز جایگاه ویژه دارد و اساس هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و اهل کتاب را تشکیل می‌دهد.

معنی لغوی اسلام: امام بغوی رحمه الله در تفسیر دعای حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ﴾ (البقرة: ۱۲۸) می‌گوید: «مُوحَّدَيْنِ مُطِيعَيْنِ مُخْلِصَيْنِ خَاصِّعَيْنِ لَكَ» (بغوی، ۱۴۱۷: ۱/۱۵۰). ترجمه: «دو یکتاپرست فرمانبردار با اخلاص و فروتن در برابر تو» در واقع توضیح معنای لغوی و اصطلاحی «اسلام» است. این تعریف نشان می‌دهد که اسلام در اصل یک مفهوم جامع است که هم بُعد لغوی (تسلیم و خضوع) و هم بُعد اصطلاحی (اطاعت و پیروی از وحی الهی) را در بر می‌گیرد.

اهل کتاب: معنی لغوی کلمه‌ی اهل: "اهلِ خانه‌ی مرد و پسرانِ عموهایش؛ گفته می‌شود: او در جمعی از قومش آمد، و کلمه‌ی کتاب: در کتب لغت فارسی و عربی به معانی متعددی چون نوشته، مکتوب، صحیفه، حکم و حتی قرآن آمده است» (ابراهیم مصطفی، ب ت: ۱۲/۱).

معنای اصطلاحی: «ابن عباس رضی الله عنهما گفت: آنان یهودیان مدینه و مسیحیان نجران‌اند» (الجوزی، ۱۴۲۲: ۱/۹۸). این تعریف‌ها نشان می‌دهد که «اهل کتاب» در قرآن و سنت، مفهومی دقیق و محدود دارد که به یهود و نصاری اشاره می‌کند؛ و این واژه در تعاملات دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان با آنان نقش بنیادین ایفا کرده است.

- دعوت به توحید: الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾ (آل عمران ۶۴). ترجمه: بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی سخنی که

برابر است میان ما و میان شما که نپرستیم غیر الله را). (کابلی، ۱۴۱۱: ۳۳۰/۱). طبری رحمه الله می‌گوید: «بگو ای محمد، به اهل کتاب - یهود و نصاری، بیایید به سوی سخنی مشترک و عادلانه میان ما و شما؛ و آن مبانی قرآنی تعامل با اهل کتاب از مفهوم و محتوی آیات قرآنی پیرامون موضوع چنین بر می‌آید که هم‌زیستی و تعاملات با اهل کتاب بر چهار اصل زیر متکی می‌باشد.

۱. **اصل دعوت با حکمت:** یکی از اساسی‌ترین اصول تعامل اسلام با اهل کتاب دعوت آنان بسوی حق با حکمت، نرم‌خویی و شیوه نیکو است. قرآن کریم روش دعوت را بر پایه عقل، ادب، استدلال و احترام متقابل بنا نهاده است. اسلام هرگز در دعوت راه خشونت، تحقیر، اجبار را تجویز نکرده بل که برگشتگوی موأدبانه تأکید نموده است. این اصل بویژه در برخورد با اهل کتاب (یهود و نصاری) جایگاه برجسته دارد؛ زیرا از پیروان ادیان آسمانی بوده و زمینه مشترکات اعتقادی با مسلمانان دارند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (النحل: ۱۲۵). دعوت کن مردم را بسوی راه پروردگار خویش بدانش و پند نیک و مناظره کن با ایشان به‌طرقی که وی نیک است» (کابلی، ۱۴۱۱: ۴۷۶/۲).

امام رازی رحمه الله می‌گوید: «و بدان که خداوند متعال، پیامبرش را فرمان داد تا مردم را به یکی از این سه راه دعوت کند: راه حکمت، راه اندرز نیکو، و راه گفتگو به بهترین شیوه.» (رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۲۰). این اصول نشان می‌دهد که دعوت در اسلام نه با زور و اجبار، بل که با عقلانیت، اخلاق و محبت انجام می‌شود؛ و نتیجه‌ی نهایی هدایت یا ضلالت، تنها به علم و اراده‌ی خداوند وابسته است. «وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا، وَلَا تُنْفِرُوا» (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۵/۱). ترجمه: «انس بن مالک روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: کارها را بر مردم آسان بگیرید و دشوار نسازید؛ آنان را بشارت دهید و امیدوار کنید، نه این‌که بترسانید و گریزان سازید. اساس دین بر آسانی بنا شده تا انسان‌ها بتوانند با آرامش و امید به سوی خدا حرکت کنند. سخت‌گیری و دشوارسازی نه تنها مخالف روح دین است، بل که مردم را از ایمان و عمل صالح دور می‌سازد. بنابراین، اصل یسر نشان می‌دهد که شریعت برای هدایت و رحمت آمده است، نه برای مشقت و نفرت.

۲. **اصل گفتگوی نیکو:** خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (العنکبوت: ۴۶). مجادله مکنید با اهل کتاب مگر به صورتی که آن نیکو باشد. (کابلی، ۱۴۱۱: ۳/۳). زحیلی رحمه الله می‌نویسد: «با اهل کتاب - یهودیان و مسیحیان، پیروان موسی و عیسی علیهما‌السلام که به وجود خدا، روز قیامت، تورات و انجیل ایمان دارند مجادله نکنید مگر به شیوه‌ای نیکوتر؛ یعنی خشونت را با نرمی پاسخ دهید، خشم را با فروبردن و کنترل

نفس، و جدال و مشاغبه را با خیرخواهی و نصیحت.» (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۵/۲۱). این متن بر اساس آیت قرآن (عنکبوت: ۴۶) توضیح می‌دهد که گفتگو با اهل کتاب باید بر پایه‌ی اخلاق نیکو باشد. اصل راهبردی آن، تبدیل سختی به آسانی و خشونت به نرمی است. چنین رویکردی نشان می‌دهد که دین اسلام در تعامل با دیگران بر بُسر، رحمت و حکمت استوار است و هدف، هدایت و جذب دل‌هاست نه دفع و دشمنی. قرآن اصل گفتگوی نیکو را به عنوان روش تعامل با اهل کتاب معرفی می‌کند. این اصل بر پایه‌ی انصاف، احترام و پرهیز از خشونت استوار است.

۳. اصل هم‌زیستی مسالمت آمیز: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾. (الممتحنة: ۸). منع نمی‌کند شمارا الله از آنانیکه جنگ نکرده اند باشما درامر دین و نکشیده اند شمارا از خانه‌های تان از آنکه نیکویی کنید با ایشان وانصاف کنید در حق ایشان بی‌شک الله دوست می‌دارد انصاف کنندگان را، (کابلی، ۱۴۱۸: ۷۴۲/۳). أوضح التفاسیر می‌نویسد: «يُرِنَا اللَّهُ تَعَالَى أَنَّهُ يُحِبُّ عَلَيْنَا: حُسْنَ الْمُعَامَلَةِ، وَطَيْبَ الْمُعَاشَرَةِ؛ مَعَ سَائِرِ الْأَجَانِبِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُونَا، وَلَمْ يُخْرِجُونَا مِنْ دِيَارِنَا، أَوْ يَحْتَلُّوا أَوْطَانَنَا» (ابن الخطيب، ۱۳۸۳: ۶۸۱/۱). ترجمه: خداوند متعال به ما نشان می‌دهد که لازم است با همه‌ی بیگانگانی که با ما نجنگیده‌اند، ما را از خانه‌هایمان بیرون نکرده‌اند و یا سرزمین‌های ما را اشغال ننموده‌اند، به نیکی رفتار کنیم و خوش‌معاشرت باشیم). آیت فوق نشان می‌دهد که اسلام میان دشمنان جنگ طلب و غیر جنگ طلب تفاوت قایل است. غیر مسلمانانی که با مسلمانان درگیر جنگ دینی نیستن، می‌توانند مورد نیکی و عدالت قرار گیرند. این اصل، روحیه‌ی هم‌زیستی و احترام متقابل را تقویت می‌کند. آیت زمینه‌ی تعامل اجتماعی سالم با غیر مسلمانان غیر جنگ طلب را فراهم می‌سازد. مسلمانان می‌توانند با آنان روابط دوستانه، تجاری و انسانی داشته باشند، مشروط بر اینکه دشمنی دینی و اخراج از سرزمین در کار نباشد. این آیت سیاست اسلامی را در روابط بین‌المللی روشن می‌سازد: ممنوعیت دشمنی کورکورانه و اجازه‌ی تعامل عادلانه با غیرجنگ طلبان. این اصل می‌تواند مبنای پیمان‌ها و روابط دیپلماتیک باشد. این آیه برای جامعه‌ی امروز افغانستان نیز پیام روشنی دارد: تمایز میان دشمنان متخاصم و غیرجنگ طلب، و ضرورت رفتار عادلانه و نیکو با کسانی که در صلح زندگی می‌کنند.

۴. اصل عدالت انصاف آیه ۸، سوره ممتحنه اصل عدالت انصاف را به عنوان یک قاعده‌ی قرآنی بیان می‌کند. اسلام میان دشمنان جنگ طلب و غیرجنگ طلب تفاوت قایل است؛ با غیرجنگ طلبان می‌توان روابط انسانی، اجتماعی و اقتصادی داشت، مشروط بر رعایت عدالت و نیکی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» (صحیح

بخاری، کتاب الجزیه، حدیث ۳۱۶۶). ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرکس فردی از اهل ذمه (غیرمسلمان تحت پیمان) را بکشد، بوی بهشت را نخواهد یافت. «ابن حجر رحمه الله در توضیح حدیث فوق می گوید: «مقصود از معاهد همان کسی است که با مسلمانان پیمان دارد؛ خواه این پیمان به وسیله قرارداد جزیه باشد، یا صلح و آتش پس از سوی حاکم مسلمان، یا امان و امنیتی که یک مسلمان به او داده باشد.» (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۲۵۹/۱۲). این حدیث نشان می دهد که اسلام نه تنها عدالت انصاف را مجاز می داند، بل که نقض آن را گناهی بزرگ معرفی می کند. اصل عدالت انصاف در اسلام بر پایه ی نیکی، عدالت، احترام و پرهیز از اجبار بناء شده است. قرآن مسلمانان را به رفتار عادلانه با غیرجنگ طلبان فرا می خواند و پیامبر اسلام در عمل نشان داد که عدالت انصاف با دیگران نه تنها ممکن، بل که ضروری است. این اصل در جامعه ی امروزی افغانستان نیز می تواند الگوی برای کاهش تنش های مذهبی، تقویت وحدت ملی و ایجاد روابط انسانی سالم باشد.

انواع تعاملات اسلام با اهل کتاب: اسلام در برخورد با اهل کتاب، چارچوبی روشن و چند بُعدی ارائه کرده است. این تعاملات تنها به یک جنبه محدود نمی شود، بل که شامل چهار عرصه ی اصلی است: اعتقادی در حوزه ی باورها و مناظره، اجتماعی در معاشرت و روابط انسانی، اقتصادی در دادوستد و قراردادها، و سیاسی در پیمان های صلح و امنیت. این تقسیم بندی نشان می دهد که اسلام میان اهل کتاب مسالمت جو و متجاوز تفاوت قائل است و اصل هم زیستی مسالمت آمیز را بر پایه ی عدالت و نیکی بنا نهاده است.

۱. تعامل اعتقادی

- **نحوه مناظره با اهل کتاب** خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾. (العنکبوت: ۴۶) مجادله مکنید با اهل کتاب مگر به صورتی که آن نیکو باشد. (کابلی، ۱۴۱۱: ۳/۳). زمخشری رحمه الله می گوید: «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ بِالْخَصْلَةِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: وهي مُقَابَلَةُ الْخَشُونَةِ بِاللَّيْنِ، وَالْغَضَبِ بِالْكُظْمِ» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۴۵۷). ترجمه: آنچه نیکوتر است همان خصلتی است که بهترین شیوه ی برخورد را نشان می دهد؛ یعنی خشونت را با نرمی پاسخ دادن و خشم را با فروبردن و کنترل نفس). قرآن اصل گفتگوی نیکو را بیان می کند؛ فخر رازی تأکید دارد که جدال باید عقلانی و اخلاقی باشد، نه خشونت آمیز. سخن این است که تنها خدا را یگانه بدانیم، جز او را نپرستیم، و از هر معبودی جز او بیزاری جوییم، و چیزی را شریک او نسامیم» (طبری، ۱۴۲۰هـ: ۶/۴۸۳). این آیه محور مشترک ادیان را معرفی می کند؛ طبری آن را دعوتی به عدالت و توحید می داند که اساس تعامل اعتقادی است.

- **رد تثلث:** خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ﴾ (المائدة: ۷۳) هر آینه کافر شدند کسانی که گفتند که خدا سوم سه کساست» (کابلی، ۱۴۱۱: ۶۹۸/۱). رشید رضا رحمه الله می‌نویسد: «خداوند متعال با سوگند، کفر کسانی را که گفتند: خدا - همان که آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست - سومین اقنوم از سه اقنوم است، تأکید کرد.» (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۴۰۱/۶). این متن نشان می‌دهد که اسلام با صراحت عقیده‌ی تثلث را رد کرده و آن را کفر می‌داند، زیرا با اصل توحید منافات دارد. تأکید قرآن بر یکتایی خدا، پایه‌ی اعتقاد اسلامی و اساس همه‌ی روابط اعتقادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان است.

۲. **تعامل اجتماعی:** اصل تعامل اجتماعی در اسلام بر سه جزء مهم استوار است: حسن همجواری، حقوق شهروندی، و احترام متقابل. این اصول در قرآن، حدیث و آثار فقهاء به طور مستند بیان شده‌اند و پایه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی را تشکیل می‌دهند.

- **حسن همجواری با اهل کتاب:** خداوند متعال در آیت ذیر می‌فرماید: ﴿وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ﴾ (النساء: ۳۶). و به همسایه قریب و به همسایه بیگانه. (کابلی، ۱۴۱۱: ۴۹۲). ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «ابو اسحاق روایت کرده است که در تفسیر آیت «وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ» مقصود مسلمان است، و در «وَالْجَارِ الْجُنُبِ» مقصود یهودی و نصرانی می‌باشد. این روایت را ابن جریر و ابن ابی حاتم نقل کرده‌اند» (ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۲۹۸/۲).

- **حقوق شهروندی اهل کتاب:** خداوند متعال چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (الحجرات: ۱۳). بتحقیق گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست بتحقیق الله بهمه چیز دانا خبر دار است (کابلی، ۱۴۱۱: ۵۷۶). امام طبری رحمه الله می‌گوید: «ای مردم، گرامی‌ترین شما نزد پروردگارتان کسی است که بیش از همه تقوا داشته باشد؛ یعنی فرائض الهی را به‌جا آورد و از گناهان دوری کند، نه آن که خانه‌اش بزرگ‌تر یا قبیله‌اش پرجمعیت‌تر باشد» (طبری، ۱۴۲۰: ۳۱۲/۲۲).

- **احترام متقابل با اهل کتاب:** خداوند متعال در آیت زیر چنین می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الممتحنة: ۸). منع نمی‌کند شما را از آنکه نیکویی کنید با ایشان و انصاف کنید در حق امر دین و نکشیده‌اند شما را از خانه‌های تان از آنکه نیکویی کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان بیشک الله دوست می‌دارد انصاف‌کننده گان را (کابلی، ۱۴۱۱: ۷۴۲/۳). امام فخررازی رحمه الله می‌گوید: "بیش‌تر مفسران بر این نظرند که مقصود از آنان، همان اهل عهد (اهل کتاب) هستند؛ کسانی که با پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم پیمان بستند که دست از جنگ بردارند و در دشمنی یاری نرسانند» (رازی، ب ت: ۳۲۵/۱۵). تعامل اجتماعی اسلام با اهل کتاب سه بخش

اساسی دارد: نخست حسن همجواری که قرآن و سنت بر آن تأکید کرده‌اند؛ همسایه چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان، حق احترام و نیکی دارد. دوم حقوق شهروندی که در جامعه‌ی اسلامی برای اهل کتاب تضمین شده است؛ آنان در امنیت، دادوستد و زندگی روزمره شریک‌اند. سوم احترام متقابل که اساس روابط انسانی است؛ اسلام دستور می‌دهد با نرمی و عدالت رفتار شود، حتی در اختلافات اعتقادی. این سه اصل نشان می‌دهد که اسلام روابط اجتماعی را فراتر از مرزهای دینی می‌بیند و بر پایه‌ی عدالت و اخلاق دستور می‌دهد. چنین رویکردی زمینه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تقویت وحدت اجتماعی را در جوامع امروز فراهم می‌سازد.

مفسران قدیمی تعامل با اهل کتاب را بیش‌تر در سطح اعتقادی و فقهی بررسی کرده‌اند، در حالی که نویسندگان معاصر آن را به سطح اجتماعی و تمدنی ارتقا داده‌اند. این تغییر رویکرد برای افغانستان امروز بسیار مهم است، زیرا نیازمند راه کارهای عملی برای هم‌زیستی و وحدت عمومی است.

۳. تعامل اقتصادی: تعامل اقتصادی با اهل کتاب در سه محور: معاملات، تجارت، و داد و ستد. اسلام تعامل اقتصادی با اهل کتاب را در چارچوب عدالت، صداقت و رعایت حقوق طرفین مجاز دانسته است. این موضوع در قرآن، حدیث و کتب فقه و سیره به طور مستند بیان شده است.

- **معاملات با اهل کتاب:** خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (البقرة: ۲۷۵) وحلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را (کابلی، ۱۴۱۱: ۲۵۹/۱). سید قطب رحمه الله می‌گوید: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالسَّمَاخَةِ، وَيُحَسِّنُ مُعَامَلَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالَّذِينَ قَالُوا: إِنَّهُمْ نَصَارَى مِنْهُمْ خَاصَّةً، وَلَكِنَّهُمْ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْوَلَاءِ لِهَوْلَاءِ جَمِيعًا» (سید قطب، ۱۴۱۲: ۹۲۳/۲). (این دین، پیروان خود را به نرم‌خوبی و خوش‌رفتاری با اهل کتاب - به‌ویژه کسانی که گفتند ما نصاری هستیم - فرمان می‌دهد؛ اما آنان را از دوستی و ولایت با همه‌ی این گروه‌ها بازمی‌دارد) اسلام معاملات با اهل کتاب را در چارچوب حلال و حرام مجاز می‌داند؛ اصل عدالت و رعایت حدود شرعی باید رعایت شود.

- **تجارت با اهل کتاب:** به اساسی محتوا و مفهوم آیت کریمه: ﴿لَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ﴾ (الممتحنة: ۸) خداوند مسلمانان را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن نسبت به کسانی که با به آنان نجنگیده‌اند، باز نمی‌دارد. در تفسیر آیت فوق ابن عاشور رحمه الله می‌نویسد: «وَيُؤْخَذُ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ جَوَازُ مُعَامَلَةِ أَهْلِ الذِّمَّةِ بِالْإِحْسَانِ، وَجَوَازُ الْإِحْتِفَاءِ بِأَعْيَانِهِمْ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳۶/۲۸). ترجمه: واز این آیت برداشت می‌شود: جایز است با اهل ذمه به نیکی رفتار شود، و جایز است به شخصیت‌های برجسته‌ی آنان احترام و بزرگداشت گردد. تجارت با اهل کتاب در صدر اسلام عملی رایج بود؛ پیامبر اسلام خود با یهودیان مدینه روابط تجاری داشت که نشان‌دهنده‌ی مشروعیت این تعامل است.

- داد و ستد با اهل کتاب: در حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمده که در هنگام وفات، زره خود را نزد یک یهودی به گرو گذاشته بود «وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ دِرْعَهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ رَجُلٍ مِنْ يَهُودٍ، عَلَى ثَلَاثِينَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، أَخَذَهَا رِزْقًا لِعِيَالِهِ» (مسند احمد، ۱۴۲۱: کتاب الرهن، حدیث ۲۱۰۹) ترجمه: ابن عباس روایت کرده است: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم وفات یافت، در حالی که زره او نزد مردی یهودی به گرو بود، در برابر سی صاع جو که آن را برای روزی خانواده‌اش گرفته بود.

این حدیث نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم با وجود مقام والا، زندگی ساده داشت و برای تأمین معاش خانواده‌اش حتی زره خود را نزد یک یهودی گرو گذاشت. از نظر فقهی نیز دلالت بر جواز معامله با اهل کتاب و مشروعیت عقد رهن دارد که پایه‌ای برای عدالت و هم‌زیستی اجتماعی در اسلام است.

دیدگاه علمای معاصر: قرضاوی رحمه الله می‌گوید: در آثار اقتصادی خود تأکید می‌کند که "همکاری اقتصادی با اهل کتاب نه تنها جایز، بل که می‌تواند زمینه‌ی شناخت و همکاری باشد، به شرط رعایت اصول شرعی" (قرضاوی، ۱۳۹۰: ۲۱۶، ۲۱۵). طنطاوی رحمه الله می‌نویسد: «خداوند شما را از نیکی کردن به آنان باز نمی‌دارد؛ یعنی این که با آنان خوش رفتاری کنید و احترام بگذارید. هم چنین شما را از عدالت ورزیدن نسبت به آنان نهی نمی‌کند؛ یعنی در حقشان به عدالت حکم کنید، همان گونه که آنان با شما رفتار می‌کنند، شما نیز با آنان رفتار کنید، و در هیچ حکمی بر آنان ستم روا ندارید» (طنطاوی، ۱۹۹۸: ۳۳۵/۱۴). علمای معاصر این متون را دلیل بر جواز معامله با اهل کتاب و مشروعیت روابط اقتصادی و اجتماعی با آنان می‌دانند، مادامی که خصومت و جنگی در کار نباشد. مفسران قدیمی تعامل اقتصادی با اهل کتاب را بیش‌تر در سطح فقهی و محدود بررسی کرده‌اند، در حالی که علمای معاصر آن را به سطح همکاری اجتماعی و تمدنی ارتقا داده‌اند. این تحول برای افغانستان امروز اهمیت حیاتی دارد، زیرا نیازمند تعامل سازنده با جهان بیرون است.

۴. تعاملات سیاسی با اهل کتاب: در سه محور پیمان‌ها، معاهدات، و صلح و امنیت، اسلام تعامل سیاسی با اهل کتاب را در چارچوب عدالت، وفای به عهد، و حفظ امنیت مشروع دانسته است. این اصول در قرآن، سیره‌ی پیامبر اسلام، کتب فقهی و آثار دانشمندان معاصر به طور مستند بیان شده‌اند.

- پیمان‌ها: الله متعال در آیت زیر می‌گوید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾. (الأنعام: ۳۴) و وفا کنید بعهده هر آئینه عهد هست سوال کرده شده (کابلی، ۱۴۱۱: ۵۰۵/۲).

درارتباط به اهمیت عهد پیمان در اسلام ابن الرجب رحمه الله می‌گوید: «وَالْعَدْرُ حَرَامٌ فِي كُلِّ عَهْدٍ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَغَيْرِهِ، وَلَوْ كَانَ الْمُعَاهَدُ كَافِرًا» (ابن الرجب، ۱۴۲۴: ۱۵۱/۱). ترجمه: خیانت در هر پیمانی میان مسلمان و غیرمسلمان حرام است، حتی اگر طرف پیمان کافر باشد». علمای معاصر این اصل را مبنای روابط بین‌الملل اسلامی می‌دانند؛ قراردادهای پیمان‌های سیاسی با دیگر ملت‌ها باید محترم شمرده شوند. پیمان مدینه نمونه‌ی روشن تعامل سیاسی با اهل کتاب است که بر اساس وفای به عهد و احترام متقابل بنا شد.

-معاهدات با اهل کتاب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْتُمُوهُمْ إِلَهُكُمْ فَأَعَاهَدُوا لَكُمْ فِي مَا بَيْنَهُمَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾. (التوبة: ۴) مگر آنانی که پیمان کرده‌اید (با ایشان) از مشرکین باز کمی نکردند بشما هیچ چیز و مدد نکردند بر شما کسی را پس تمام کنید بایشان پیمان شان را تا مدت مقرر شان بیشک الله دوست دارد پرهیز گاران را) (کابلی، ۱۴۱۱: ۱۰۷۲/۱). ابن الرجب رحمه الله می‌گوید: «و خداوند متعال در کتاب خود فرمان داده است که پیمان‌های مشرکان را، مادامی که بر پیمان‌هایشان پایدار باشند و چیزی از آن را نقض نکنند، وفا کنید. اما پیمان‌هایی که میان مسلمانان بسته می‌شود، وفای به آن‌ها از اهمیت و الزام بیش‌تری برخوردار است» (ابن الرجب، ۱۴۲۴: ۱۵۱/۱). این متن نشان می‌دهد که وفای به عهد یک اصل شرعی عام است؛ حتی با مشرکان باید به پیمان‌ها پایبند بود، مگر آنکه آنان نقض کنند. اما در میان مسلمانان، وفای به عهد شدت بیش‌تری دارد زیرا بر پایه‌ی ایمان و اخوت اسلامی است. این حکم زمینه‌ی اعتماد اجتماعی را فراهم می‌کند؛ زیرا هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان در جامعه‌ی اسلامی احساس امنیت خواهند داشت. اسلام صلح و امنیت با اهل کتاب را مشروع می‌داند که برای جامعه‌ی بشری امروز اهمیت حیاتی دارد.

تفاوت دیدگاه در تعاملات سیاسی اسلام با اهل کتاب: علمای سلف مانند امام طبری، ابن‌رجب، و ابن‌حجر، روابط سیاسی با اهل کتاب را بیش‌تر در چارچوب فقهی و امنیتی بررسی کرده‌اند؛ تأکیدشان بر وفای به عهد، پرهیز از دشمنی و برخورد در صورت نقض پیمان بود. نگاه آنان حالت احتیاطی و محدودکننده دارد. هم‌چنین علمای معاصر مانند قرضاوی، ابن‌عاشور و رشید رضا، تعامل سیاسی را بر پایه‌ی عدالت، گفتگو و همکاری اجتماعی می‌دانند؛ اهل کتاب را شرکای فرهنگی و تمدنی معرفی کرده و نگاهشان گسترده‌تر و کاربردی‌تر است. علماء سلف بیش‌تر بر حفظ مرزهای اعتقادی و امنیتی تأکید داشتند، در حالی که معاصرین بر هم‌زیستی، صلح پایدار تمرکز کرده‌اند؛ این تحول برای افغانستان امروز اهمیت عملی و راهبردی دارد.

نمونه‌های تعامل قرآنی

۱. تعامل با یهود مدینه: تعامل سیاسی و اجتماعی پیامبر اسلام با یهود مدینه یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ صدر اسلام است. این تعامل در قالب پیمان مدینه آغاز شد و سپس در برخورد با خیانت‌های بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه ادامه یافت. قرآن کریم، کتب سیره و تحلیل‌های فقهاء و دانشمندان معاصر این وقایع را به‌طور مستند بیان کرده‌اند.

- بنو قینقاع: خداوند متعال در مورد شان می‌فرماید: ﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾. (التوبة: ۱۲) و اگر بشکنند قسم‌های خود را بعد از عهد کردشان و عیب جوئ کنند در دین شما پس جنگ کنید با پیشوایان کفر (کابلی: ۱۴۱۱: ۱۰۷۷/۱).

ابن حجر رحمه الله می‌نویسد: «فكان أول من نقض العهد من اليهود بنو قينقاع، فحاربهم في شوال بعد وقعة بدر، فزّلوا على حكمه، وأراد قتلهم، فاستوهمهم منه عبد الله بن أبيه وكانوا حلفاءه، فوهمهم له، وأخرجهم من المدينة». (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۳۳۰/۷). ترجمه: پس نخستین گروه از یهودیان که پیمان را شکستند، بن قینقاع بودند. پیامبر در ماه شوال، پس از نبرد بدر، با آنان جنگید. آنان سرانجام به حکم او تن دادند. پیامبر قصد داشت آنان را به قتل برساند، اما عبدالله بن ابی که هم‌پیمانان بود، برایشان شفاعت کرد. پیامبر نیز آنان را به او بخشید و از مدینه بیرونشان کرد. این واقعه نشان می‌دهد که پیامبر با یهود مدینه تعامل و هم‌پیمان بوده و نقض پیمان سیاسی موجب اخراج شد: قرآن کریم وفا به عهد را واجب دانسته و خیانت را مستوجب بر خورد معرفی کرده است.

- بنو نضیر: در قرآن کریم به این موضوع چنین اشاره شده ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾. (الحشر: ۲) اوست آنکه بر آورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌های شان در اول جمع آوری لشکر. (کابلی، ۱۴۱۱: ۷۱۸/۳). عینی رحمه الله در ارتباط می‌نویسد: (وَأَمْتَحَنَ مَعَ بَنِي النَّضِيرِ حِينَ أَرَادُوا الْعَدْرَ بِهِ، وَأَنْ يُلْقُوا عَلَيْهِ حَجْرًا، فَأَمَرَهُ اللَّهُ بِإِجْلَائِهِمْ وَإِخْرَاجِهِمْ) (عینی، ب ت: ۸۹/۱۵).

ترجمه: پیامبر با بنی نضیر آزموده شد، هنگامی که آنان قصد خیانت به او داشتند و می‌خواستند سنگی بر او بیفکنند، پس خداوند به او فرمان داد که آنان را از مدینه بیرون کند و تبعید نماید. این واقعه نشان می‌دهد که بنی نضیر با نقشه قتل پیامبر، پیمان را آشکارا شکستند و امنیت مدینه را تهدید کردند. فرمان الهی برای اخراج آنان، هم جنبه مجازات خیانت داشت و هم راهبردی سیاسی برای پاک‌سازی مدینه از خطر داخلی و تثبیت قدرت مسلمانان.

- بنو قریظه: خداوند متعال در آیت زیر می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾. (الأحزاب: ۲۶) فرود آورد (خدا) آنانرا که مدد گاری آن لشکر ها را کرده بودند از اهل کتاب از قلعه‌های ایشان و انداخت در دلهای ایشان خوف)

(کابلی، ۱۴۱۱: ۹۷/۳). ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «أَنَّ بَنِي قُرَيْظَةَ لَمَّا قَدِمَتْ جُنُودُ الْأَحْزَابِ، وَنَزَلُوا عَلَى الْمَدِينَةِ، تَقَضَّوْا مَا كَانَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْعَهْدِ... ثُمَّ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْأَخَادِيدِ فَخُذَتْ فِي الْأَرْضِ، وَجِيءَ بِهِمْ مُكْتَفَيْنَ، فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ». (ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۳۹۷/۶-۳۹۸). ترجمه: هنگامی که سپاهیان احزاب به مدینه رسیدند و شهر را محاصره کردند، بنی قریظه پیمانی را که با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم داشتند شکستند. پس از پایان محاصره، پیامبر دستور داد در زمین خندق‌هایی کنده شود. سپس آنان را در حالی که دست‌بسته بودند آوردند و گردنشان زده شد. تعامل پیامبر اسلام با یهود مدینه نشان می‌دهد که اسلام اصل هم‌زیستی و پیمان مشترک را پذیرفته بود. در آغاز، پیمان مدینه میان مسلمانان و یهودیان تنظیم شد که بر اساس آن هر دو طرف در برابر دشمنان بیرونی متحد بودند و آزادی دینی برای یهود تضمین گردید. اما هنگامی که برخی قبایل یهود مانند بنو قینقاع، بنو نضیر و بنو قریظه پیمان را شکستند و علیه مسلمانان توطئه کردند، و قرآن کریم هم خیانت آنان را ثبت نمود. این برخوردها نشان می‌دهد که اسلام تا زمانی که وفا به عهد وجود داشته باشد، تعامل سیاسی و اجتماعی با اهل کتاب را مشروع می‌داند، اما خیانت و نقض پیمان را موجب واکنش و مجازات می‌داند.

۲. تعامل با نصاری نجران: تعامل پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با نصارای نجران یکی از مهم‌ترین نمونه‌های گفتگوی بین‌ادیانی در صدر اسلام است. این دیدار، که در سال نهم هجری رخ داد، نشان‌دهنده سیاست پیامبر در دعوت مسالمت‌آمیز، گفتگو و پذیرش هم‌زیستی با اهل کتاب بود. این واقعه نه تنها بُعد دینی داشت، بل که از نظر سیاسی و اجتماعی نیز اهمیت یافت؛ زیرا پیمان با نصارای نجران الگویی برای روابط مسلمانان با مسیحیان و دیگر جوامع دینی در تاریخ اسلام شد.

مباهله - خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾. (آل عمران: ۶۱) پس هر که مخاصمه با تو در آن قصه بعد از آن که رسید ترا از دانش پس بگو بیايند که بخواهيم فرزندان خود را وفرزندان شما را وزنان خود وزنان شما را وزنان خود و ذات‌های شما را پس همه بزاری دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغ‌گویان. (کابلی، ۱۴۱۱: ۳۲۸/۱). ابن حجر رحمه الله می‌نویسد: «وَفِيهَا جَوَازُ مُجَادَلَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ، وَقَدْ تَجِبُ إِذَا تَعَيَّنَتْ مَصْلَحَتُهُ. وَفِيهَا مَشْرُوعِيَّةُ مُبَاهَلَةِ الْمُخَالِفِ إِذَا أَصَرَ بَعْدَ ظُهُورِ الْحُجَّةِ» (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۹۵/۸).

ترجمه: از این واقعه روشن می‌شود که مجادله با اهل کتاب جایز است، و اگر مصلحت آن منحصر و ضروری باشد، واجب می‌شود. هم‌چنین مشروع است که با مخالف، پس از آشکار شدن دلیل و

ادامه لجاجت او، مباحله انجام گیرد. این گفتگو نشان‌دهنده‌ی اصل تعامل مسالمت‌آمیز اسلام با اهل کتاب است؛ ابتدا دعوت به حقیقت، سپس مناظره، و در نهایت پیشنهاد مباحله به‌عنوان داوری الهی صورت گرفت. این نکته نشان‌دهنده دو اصل مهم در تعامل دینی است: نخست گفتگو و مناظره برای اقامه حق، و دوم مباحله به عنوان آخرین راه کار در برابر اصرار بر باطل.

کاربرد موضوع در جامعه افغانستان: اسلام در قرآن و سیره‌ی پیامبر اسلام اصولی را برای روابط با اهل کتاب بیان کرده است که امروز می‌تواند برای جامعه افغانستان الگویی عملی باشد.

- هم‌زیستی فرهنگی در جامعه: الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾. (الممتحنة: ۸) منع نمی‌کند شما را از آنانی که جنگ نکرده اند با شما در امر دین و نکشیده اند شما را از خانه‌های تان از آنکه نیکوئی کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان بی‌شک الله دوست می‌دارد انصاف‌کننده‌گان را (کابلی، ۱۴۱۱: ۷۴۲/۳). محمد عزت رحمه الله می‌گوید: «بِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْهَاكُم عَنِ الْبِرِّ وَالْإِقْسَاطِ وَحُسْنِ التَّعَامُلِ مَعَ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ، وَلَمْ يَعْتَدُوا عَلَى حُرِّيَّتِهِمْ، وَلَمْ يُؤْذَوْهُمْ بِسَبَبِ دِينِهِمْ، وَلَمْ يُضْطَرُّوهُمْ إِلَى الْجَلَاءِ عَنْ وَطَنِهِمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (محمد عزت، ۱۳۸۳: ۲۷۳/۹).

ترجمه: خداوند آنان را از نیکی، عدالت و رفتار پسندیده با کسانی از کافران که با ایشان نجنگیده‌اند، آزادی‌شان را پایمال نکرده‌اند، به سبب دینشان آزارشان نداده‌اند و آنان را به ترک وطن مجبور نساخته‌اند، نهی نمی‌کند. این آیت نشان می‌دهد که اسلام میان کافران متجاوز و غیرمتجاوز فرق می‌گذارد؛ نیکی و عدالت با کسانی که آزادی و دین مسلمانان را محترم شمرده‌اند، نهی نشده بل که مطلوب است. در جامعه افغانستان، کاربرد این اصل می‌تواند پایه‌ای برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام مختلف باشد؛ یعنی رفتار عادلانه و نیک با گروه‌هایی که دست به خشونت و تجاوز نمی‌زنند، زمینه‌ساز کاهش تنش‌های قومی و تقویت وحدت عمومی خواهد شد.

- فضای صلح و گفتگو: درسیره‌ی پیامبر، پیمان مدینه میان مسلمانان و یهودیان تنظیم شد که بر اساس آن هر دو طرف در برابر دشمنان بیرونی متحد بودند و آزادی دینی برای یهود تضمین گردید این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که گفتگو و توافق سیاسی با اهل کتاب مشروع است. در افغانستان، چنین گفتگو و هم‌پذیری می‌تواند زمینه‌ی صلح پایدار و کاهش تنش‌های داخلی را فراهم کند.

- جلوگیری از افراط گرایی: خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾. (النساء: ۱۳۵). ترجمه: ای مومنان باشید استوار بر انصاف گواهی‌دهندگان برای خدا و اگر چه بر ضرر شما باشد یا به ضرر مادر پدر

ونزدیکان شما باشد. (کابلی، ۱۴۱۱: ۵۷۲/۱). ابن عاشور رحمه الله می‌گوید: «خداوند فرمان عدالت را از موارد خاص مانند یتیمان و زنان، به همه‌ی عرصه‌های زندگی اجتماعی و قضایی گسترش داد، همراه با لزوم شهادت صادقانه؛ زیرا عدالت در حکم و شهادت، ستون سلامت جامعه اسلامی است و کوچک‌ترین انحراف از آن، به فساد پی‌درپی منجر می‌شود» (ابن عاشور، ب ت: ۵۴/۴). آموزه‌های قرآنی و سیره‌ی پیامبر بر اعتدال، مدارا و احترام به حقوق دیگران تأکید دارند. در افغانستان، تقویت آموزش دینی صحیح و فرهنگ گفتگو می‌تواند مانع رشد افراط‌گرایی شود. وقتی عدالت تنها به گروه‌های خاص محدود نباشد و همه‌ی روابط اجتماعی را دربرگیرد، زمینه‌ی تبعیض و افراط‌گرایی از بین می‌رود. عدالت وهم‌زیستی، گفتگو و صلح، و مقابله با تند روی این اصول اگر در افغانستان امروز به کار گرفته شوند، می‌توانند زمینه‌ی وحدت عمومی، ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی را فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم هم‌زیستی با اهل کتاب را بر پایه عدالت، وفای به عهد، گفتگو و احترام متقابل تبیین کرده است و این اصول می‌تواند در افغانستان امروز راهبردی برای کاهش تنش‌ها باشد. نمونه‌های تاریخی روابط پیامبر اسلام با یهودیان و مسیحیان مدینه نشان می‌دهد که این آموزه‌ها در عمل نیز اجرا شده‌اند و ظرفیت بالایی برای ایجاد صلح و وحدت دارند. تفاسیر قدیم بیش‌تر بر جنبه‌های اعتقادی و فقهی تأکید کرده‌اند، در حالی که دیدگاه‌های معاصر بر ابعاد اجتماعی و تمدنی تمرکز دارند. در نتیجه، آموزه‌های قرآنی می‌توانند ابزار مؤثری برای جلوگیری از افراط‌گرایی و تقویت وحدت عمومی باشند.

پیشنهادها

۱. گنجاندن مباحث تعامل با اهل کتاب در نصاب‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و محصلان.
۲. ایجاد انجمن‌های گفتگوی داخلی و استفاده از رسانه‌ها برای ترویج فرهنگ صلح و احترام متقابل.
۳. بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی در سیاست‌گذاری‌های ملی برای مدیریت تنوع قومی و مقابله با تندروی.
۴. توسعه‌ی تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه‌ی علوم اسلامی، مطالعات اجتماعی و صلح با استفاده از منابع قدیمی و دیدگاه‌های معاصر.
۵. این پیشنهادها می‌توانند زمینه‌ی عملی برای تقویت وحدت عمومی، هم‌زیستی فرهنگی و کاهش افراط‌گرایی در افغانستان باشد.

منابع

- ابن الجوزي، جمال الدين. (۲۰۰۱). زاد المسير في علم التفسير. بيروت: دار الكتاب العربي.
- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي. (۱۹۵۹). فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار المعرفة.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. (۲۰۰۰). التحرير والتنوير المعروف بتفسير ابن عاشور. بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر. (۱۹۹۹). تفسير القرآن العظيم. الرياض: دار طيبة للنشر والتوزيع.
- ابن منظور، محمد مكرم. (۱۹۹۳). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- أحمد بن حنبل، أبو عبد الله. (۲۰۰۱). مسند الإمام أحمد بن حنبل. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- البخاري، محمد بن إسماعيل. (۲۰۰۱). صحيح البخاري. بيروت: دار طوق النجاة.
- البغوي، أبو محمد. (۱۹۹۷). معالم التنزيل في تفسير القرآن. الرياض: دار طيبة للنشر والتوزيع.
- جمشیدی، محمدرضا. (۱۳۹۸). تعامل مسلمانان با غیرمسلمانان در قرآن و سنت. مجله مطالعات اسلامی پوهنتون تهران، ۶۷-۴۵. بازیابی از <https://civilica.com/doc/۹۴۵۳۲۱>
- الخطیب، محمد محمد عبد اللطیف. (۱۹۶۴). أوضح التفاسیر. القاهرة: المطبعة المصرية.
- دروزة، محمد عزت. (۱۹۶۳). التفسير الحديث. القاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
- الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر. (۲۰۰۰). مفاتيح الغيب = التفسير الكبير. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- رضا، محمد رشيد. (۱۹۹۰). تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار). القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- الزحيلي، وهبة بن مصطفى. (۱۹۹۸). التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. دمشق: دار الفكر المعاصر.
- الزمخشري، جار الله. (۱۹۸۷). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دار الكتاب العربي.
- شيخ الهند، محمود الحسن ديوبندي. (۱۴۱۱) تفسير كابل، ب جا، محل نشر: قطر
- الصمداني، الشريف محمد بن حسين. (ب.ت). رؤية شرعية في الجدل والحوار مع أهل الكتاب. الرياض: وزارة الأوقاف السعودية.
- الطبري، محمد بن جرير أبو جعفر. (۲۰۰۰). جامع البيان في تأويل القرآن. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- طنطاوي، محمد سيد. (۱۹۹۸). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. القاهرة: دار نهضة مصر.
- العيبي، بدر الدين. (ب.ت). عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

قرضاوی، یوسف. (۲۰۱۱). نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات احسان.

قطب، سید. (۱۹۹۱). فی ظلال القرآن. بیروت/القاهرة: دار الشروق.
مصطفی، إبراهیم. (ب.ت). المعجم الوسيط (۲+۱). القاهرة: دار الدعوة.